

Obstacles to Gratitude in Life from the Perspective of Islamic Texts¹

Hassan Serajzadeh¹ 


1- Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy, Institute of Family and Theology Qom, Iran.
h.serajzadeh@isca.ac.ir



Abstract

Among the forgotten virtues in Islamic society is gratitude towards God. While the Quran and Islamic traditions emphasize this moral virtue and describe its miraculous effects, they also strongly condemn and rebuke ingratitude. Reviving this moral virtue and utilizing it in life first requires overcoming its obstacles. The aim of this research is to examine Islamic texts to identify the obstacles that prevent people from expressing gratitude to God and living gratefully, thus depriving themselves of its remarkable effects in life. To achieve this goal, an analytical-descriptive method was used to analyze Islamic texts, particularly narrations, resulting in the classification of obstacles into two categories: internal and external. Among internal

¹Cite this article: Serajzadeh, Hassan. (2024). Obstacles to Gratitude in Life from the Perspective of Islamic Texts, *Journal in Applied Ethics Studies*, 3(77), 133-163
<https://doi.org/10.22081/jf.2024.69665.1942>

 **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

 **Received:** 2024/08/06 •  **Revised:** 2024/09/09 •  **Accepted:** 2024/10/10 •  **Published online:** 2025/05/28

obstacles, the most significant are "ignorance" and "heedlessness" of individuals, which can be related either to the "benefactor" or to the "blessing". The analysis of why ignorance and heedlessness regarding the "blessing" is an obstacle to gratitude revealed three causes from Islamic texts: "abundance of blessings," "comprehensive nature of blessings," and "trivializing the blessing." External obstacles include three main factors: "divine trial", "Satan" and "worldly attractions".

Keywords

Gratitude, Gratitude to God, Obstacles to Gratitude, Ingratitude, Moral Virtues, Moral Vices.





معوقات أداء الشكر في الحياة من منظار النصوص الإسلامية

حسن سراجزاده^١

١- الأستاذ المساعد في قسم الأخلاق الاجتماعية، قسم الإلهيات والأسرة، معهد العلوم والثقافة الإسلامية - قم، إيران.

h.serajzadeh@isca.ac.ir

الملخص

من الفضائل المنسية في المجتمع الإسلامي شكر الله، وهذا على الرغم من أن في القرآن والأحاديث الإسلامية تأكيد كثير على أداء هذه الفضيلة الأخلاقية من ناحية، ومن ناحية أخرى، ذكرت لها أعمال معجزة. فغمت النعمة مدان بشدة وقد نهى عنه. إحياء هذه الفضيلة الأخلاقية واستخدامها في الحياة يتطلب أولاً إزالة عوائقها. والغرض من هذا البحث هو دراسة النصوص الإسلامية لمعرفة من هذا المنطلق ما هي المعوقات التي تجعل الناس يتجنبون شكر الله، ويتعدون عن عيش صاحبه الشكر، ويحرمون أنفسهم من آثاره الرائعة في الحياة؟ ولتحقيق هذا الهدف تم تحليل النصوص الإسلامية، وخاصة النصوص الحديثية، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي.

استشهد بهذه المقالة: سراجزاده، حسن (١٤٠٣). معوقات أداء الشكر في الحياة من منظار النصوص الإسلامية. دراسات الأخلاق التطبيقية، ٣ (٧٧)، صص ١٣٣-١٦٣.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69665.1942>

نوع المقال: بحث؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٤/٠٨/٠٦ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٩/٠٩ • تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١٠/١٠ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٥/٢٨



مواقع شكرگزاری در زندگی از منظر متون اسلامی



١٣٥

ونتيجة لهذه الدراسة تم تصنيف المعوقات إلى نوعين: داخلية وخارجية. أهم العوائق الداخلية هي "جهل" الإنسان و"غفلته"، وهذا الجهل والغفلة إما حيال "المنعم" أو قبال "النعمة". وفي تحليل أن الجهل والغفلة حيال النعمة لماذا يعدان عائقين أمام أداء الشكر، تم الحصول على ثلاثة أسباب من النصوص الإسلامية: "كثرة النعم"، و"شمول النعم"، و"الاستهانة بالنعم". وأما العوائق الخارجية، فهي: "الاستدراج" و"الشيطان" و"مغريات الدنيا" كأهم العوائق.

الكلمات المفتاحية

أداء الشكر، شكر الله، عوائق الشكر، غمط النعمة، الفضائل الأخلاقية، الرذائل الأخلاقية.



موانع شکرگزاری در زندگی از منظر متون اسلامی -

حسن سراج‌زاده^۱

۱- استادیار گروه اخلاق اجتماعی، پژوهشکده الهیات و خانواده، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
h.serajzadeh@isca.ac.ir

چکیده

از جمله فضایل فراموش شده در جامعه اسلامی شکرگزاری خداوند می‌باشد. این در حالی است که در قرآن و روایات اسلامی، از سویی، بر انجام این فضیلت اخلاقی تأکید بسیار شده و آثار معجزه‌آسایی برای آن برشمرده‌اند و از سوی دیگر، ناسپاسی به شدت سرزنش و از آن نهی شده است. احیای این فضیلت اخلاقی و بهره‌گیری از آن در زندگی، نخست نیازمند رفع موانع آن است. هدف از این پژوهش، بررسی متون اسلامی است تا مشخص شود از این منظر، چه موانعی موجب می‌شود انسان‌ها از شکرگزاری خداوند و زیست‌شاکرانه اجتناب کرده و خود را از آثار شگفت آن در زندگی محروم سازند. برای رسیدن به این هدف، متون اسلامی به‌ویژه متون

- **استناد به این مقاله:** سراج‌زاده، حسن (۱۴۰۳). موانع شکرگزاری در زندگی از منظر متون اسلامی. مطالعات اخلاق کاربردی، ۳ (۷۷)، صص ۱۳۳-۱۶۳.

<https://doi.org/1022081/jf.2024.69665.1942>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان
□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷



روایی به روش توصیفی تحلیلی بررسی شدند. در نتیجه این بررسی، موانع به دو قسم درونی و بیرونی دسته‌بندی شدند. مهم‌ترین موانع درونی، «جهل» و «غفلت» آدمی مطرح شد که این جهل و غفلت یا در قبال «منعم» است یا در قبال «نعمت». در تحلیل اینکه چرا جهل و غفلت در قبال نعمت، مانعی برای شکرگزاری است، از متون اسلامی، سه علت «وفور نعمت»، «شمول نعمت» و «کوچک‌شمردن نعمت» به دست آمد. در موانع بیرونی نیز سه عامل «استدراج»، «شیطان» و «جاذبه‌های دنیا»، مهم‌ترین موانع برشمرده شدند.

کلیدواژه‌ها

شکرگزاری، شکرگزاری از خداوند، موانع شکرگزاری، ناسپاسی، فضایل اخلاقی، رذایل اخلاقی.



مقدمه

شکرگزاری، فرایندی است که با محوریت نعمت شکل می‌گیرد. این فرایند دارای سه بُعد و جنبه است: «نعمت‌دهنده (مُنعم)»، «نعمت» و «دریافت‌کننده نعمت (مُتَنَعِم)». شکرگزاری زمانی امکان‌پذیر است که احساس کنیم و پی ببریم خداوند یا انسانی، چیز ارزشمند یا هدیه‌ای (نعمت) را به‌طور رایگان یا بدون اینکه ما برای به‌دست‌آوردنش تلاشی جدی کرده باشیم یا طلبکار او باشیم، در اختیار ما قرار داده و به ما می‌بخشد. در این حالت است که ما به‌عنوان گیرنده نعمت، به لحاظ عاطفی، از نعمت‌دهنده به‌خاطر نعمت و هدیه ارزشمندش، قدردانی و سپاس‌گزاری می‌کنیم. دریافت‌کننده نعمت بر دو قسم است؛ یا کسی است که قدرشناس است، به نعمت‌دهنده توجه دارد، وظایف خود را در قبال او انجام می‌دهد و از وی به‌طور قلبی، زبانی و عملی سپاس‌گزاری می‌کند که به او «شاکر» و سپاس‌گزار گویند یا کسی است که سپاس‌گزاری نمی‌کند، به نعمت‌دهنده توجهی ندارد، وظایف خود را آن‌گونه که باید در قبال او انجام نمی‌دهد و به‌طور قلبی، زبانی و عملی ناسپاسی او را می‌کند که به او «کفران‌کننده» و ناسپاس گویند.

اهمیت شکرگزاری خداوند به‌حدی است که خداوند در قرآن، تعداد اندکی از بندگانش را سپاس‌گزار خود معرفی می‌کند (سبأ، ۱؛ بقره، ۲۴۳؛ اعراف، ۱۰) و از شمار زیاد ناسپاسان به‌عنوان واقعیتهای تلخ یاد می‌کند (غافر، ۶۱؛ یونس، ۶۰؛ اعراف، ۱۷). این در حالی است که براساس آیات قرآن، با شکرگزاری، نعمت‌های انسان افزوده می‌شود (ابراهیم، ۷). همچنین، سپاس‌گزاری از خداوند، عاملی برای رهایی انسان از سختی‌ها و مشکلات است (قمر، ۳۴-۳۵).

شکرگزاری خداوند دارای آثار بسیار شگفتی در زندگی دنیا و آخرت انسان است. اما آیا با وجود چنین آثاری ممکن است موانعی انسان را از بهره‌مندی از این خصوصیت پسندیده و فضیلت اخلاقی در زندگی (آن‌گونه که شایسته است) بازدارد و در نتیجه، وی را از آثار شکرگزاری محروم سازد؟ همان‌گونه که هرکس





برای رسیدن به موفقیت در زندگی شغلی و علمی خود باید موانع موفقیت را بر طرف کند، در زمینه شکرگزاری نیز کسی که می‌خواهد از یک زندگی ایمانی و توحیدی برخوردار شود و وظایف اخلاقی خود را در برابر خداوند و نعمت‌های او به جای آورد، نخست باید موانع شکرگزاری را برطرف کند تا بتواند در شکرگزاری موفق شود. البته در زندگی مادی نیز برای بهره‌مندی از آثار مادی شکرگزاری همچون زیادی نعمت و نجات از مشکلات، باید نخست، موانع رسیدن به این موفقیت‌های مادی را برطرف کرد.

در آیات قرآن و روایات، تهدیدها و هشدارهای جدی برای ناسپاسی بیان شده است؛ برای نمونه، ناسپاسی هم موجب مجازات الهی است و هم موجب وبال و گرفتاری. قرآن درباره مجازات الهی ناسپاسی می‌فرماید: ﴿لَنْ نَّشْكُرْكُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾؛ اگر شکر نعمت‌های مرا به جا آورید، من به‌طور قطع نعمت‌های شما را افزون می‌کنم و اگر ناسپاسی و کفران کنید، عذاب و مجازات من شدید است» (ابراهیم، ۷). علامه طباطبایی معتقد است این آیه مطلق است و دلیلی وجود ندارد که وعده به زیادی نعمت در صورت شکرگزاری، یا وعید و تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت را تنها به دنیا یا تنها به آخرت اختصاص دهیم، بلکه هر دو را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۲۳). البته از برخی از روایات می‌توان استفاده کرد که مجازات کفران نعمت در همین دنیا به انسان می‌رسد؛ برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سه گناه، مجازاتش فوری است و به آخرت نمی‌افتد؛ اذیت و آزار والدین، ظلم به مردم، و ناسپاسی در قبال احسان» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۷).

همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: «سریع‌ترین مجازات در میان گناهان، مجازات کفران نعمت است» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۵۰). سرعت در مجازات ناسپاسی می‌تواند به معنای مجازات در این دنیا باشد. در آیات دیگر قرآن، به برخی از مجازات‌ها (به‌ویژه مجازات دنیوی) برای ناسپاسان اشاره شده است؛ مانند

گرسنگی و ترس (نحل، ۱۱۲)، نابودی سرزمین آباد و گرفتارشدن به نعمت (سبأ، ۱۵ و ۱۷) و هلاکت و نابودی (انفال، ۵۴).

درباره گرفتاری و وبال برای ناسپاسان نیز در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «خداوند به گروهی نعمت‌هایی داد، اما آنان شکرش را به جای نیاوردند؛ در نتیجه، آن نعمت‌ها وبال و موجب گرفتاری آن‌ها شد و به گروهی مصیبت داد، اما صبر نمودند؛ در نتیجه، مصیبت‌ها به نعمت تبدیل شد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۲).

براین اساس، بخشی از سختی‌ها و گرفتاری‌ها و مشکلات اقتصادی و روحی مردم به موضوع ناسپاسی بازگردد. گاهی با کسانی روبه‌رو می‌شویم که روحیه ناسپاسی در آن‌ها وجود دارد و بدون توجه به انبوهی از داشته‌ها، احساس نارضایتی، کمبود، ناخوشی و سختی و گرفتاری می‌کنند و قدردان نعمت‌های خداوند نیستند؛ در نتیجه، این نعمت‌ها از دستشان می‌رود. اگر خداوند به فرد یا خانواده‌ای نعمت سلامت و عافیت و آرامش بدهد و آن‌ها قدر این نعمت را ندانند و سلامت و آرامش خود را به جای آنکه در راه طاعت الهی به کار گیرند، در راه معصیت خداوند صرف کنند، چه بسا خداوند (براساس آیه ۷ سوره ابراهیم) برای عقوبت و عذاب آنان، مدتی این نعمت را از آنان بگیرد و آن‌ها را به بیماری و گرفتاری دچار کند تا شاید شکرگزار و قدردان آن نعمت شوند.

شکرگزاری خداوند، آثار بسیار مثبت و شگفتی در زندگی انسان دارد و در مقابل، ترک شکرگزاری و ناسپاسی، آثار بسیار بدی همچون عذاب الهی و از بین رفتن نعمت‌ها و وبال شدن نعمت‌ها به دنبال دارد. همچنین، بخش قابل توجهی از مردم، از فضیلت اخلاقی سپاس‌گزاری محروم و دارای روحیه ناسپاسی هستند و در نتیجه، به جای فزونی نعمت، با زوال نعمت روبه‌رو می‌شوند؛ بنابراین لازم است با بهره‌گیری از سرچشمه زلال معارف اسلامی و از منظر متون اسلامی (قرآن و روایات)، موانعی که موجب می‌شود انسان، سپاس‌گزاری خداوند را ترک





کند و در زمره ناسپاسان قرار گیرد، شناسایی کرد تا بتوان خود را از عذاب‌ها و گرفتاری‌ها و نگرانی‌های ناشی از ناسپاسی نجات داد و با آراسته‌شدن به فضیلت شکرگزاری، از آثار و برکات آن در زندگی بهره‌مند شد. براین اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که از منظر متون اسلامی، برای شکرگزاری از خداوند چه موانعی وجود دارد؟ به سخن دیگر، از منظر متون اسلامی، برای داشتن زندگی مبتنی بر شکرگزاری و زیست شاکرانه چه موانعی وجود دارد؟ روشن است با برطرف کردن این موانع، ضمن زمینه‌سازی برای آراسته‌شدن به این فضیلت اخلاقی و بهره‌گیری از آثار مادی و معنوی آن، می‌توان از رذیله اخلاقی ناسپاسی و آثار زیان‌بارش پیراسته شد.

پیشینه پژوهش

آثار مختلفی در زمینه شکرگزاری نوشته شده است؛ اما در این پژوهش‌ها به موضوع «موانع» شکرگزاری توجه چندانی نشده است؛ برای نمونه، در برخی از نوشته‌ها به معناشناسی شکر پرداخته‌اند؛ مانند پایان‌نامه «معناشناسی شکر در قرآن کریم با تأکید بر حوزه‌های معنایی» از درویشی (۱۳۶۴) و مقالات «حوزه معنایی شکر در قرآن کریم» از مصلاهی پور و تاجیک (۱۳۹۳) و «تحلیل زبان‌شناختی واژه‌های حمد و شکر در آیات قرآن کریم بر پایه الگوی ارتباطی یا کوبسن و رده‌بندی کولماس» از یعقوبی و همکاران (۱۳۹۷).

در برخی از پژوهش‌ها نیز آثار و مبانی شکرگزاری مورد توجه قرار گرفته است؛ مانند پایان‌نامه‌های «تأثیر شکر و کفران نعمت در سعادت و شقاوت انسان از دیدگاه قرآن کریم» از حسین‌زاده (۱۳۹۶)، «شکر و آرامش انسان در آیات و روایات» از حیدری (۱۳۹۵)، «شکرگزاری و آثار آن از دیدگاه قرآن و حدیث» از شعبانی‌زاده (۱۳۸۹)، «تبیین مبانی شکر و سپاس و پیامدهای تربیتی آن از دیدگاه اسلام» از صحراگرد (۱۳۹۴)، «واکاوی شکرگزاری، مبانی نظری و شاخص‌های آن در قرآن و

حدیث» از درویش (۱۳۹۴) و «بررسی تطبیقی شکرگزاری در قرآن کریم و بوستان سعدی» از ساسانی (۱۳۹۷).

در زمینه ناسپاسی نیز مطالعاتی صورت گرفته که عمدتاً بر پیامدها و آثار ناسپاسی تکیه داشته یا به بررسی تطبیقی میان قرآن و آثار ادبی یا عرفانی پرداخته و کمتر از دیدگاه متون اسلامی به ویژه روایات معصومین علیهم‌السلام، این موضوع را بررسی کرده‌اند؛ مانند مقالات «تحلیلی بر نعمت‌های بنی اسرائیل و پیامدهای ناسپاسی آن» از قوی و میراحمدی (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی شکر و کفران نعمت در قرآن و مثنوی معنوی» از رجیبی و همکاران (۱۴۰۱)، «ناسپاسی و کفران نعمت از منظر عرفا (با تکیه بر آثار عطار، مولوی و حافظ)» از محمودی و قربانی (۱۳۹۳)، «بازتاب ناسپاسی و کفران نعمت در تمثیل‌های عرفانی» از محمودی و قربانی (۱۳۹۵)، «تحلیل شکر و ناسپاسی در متون عرفانی با تکیه بر مثنوی عمدة الاشعار» از قربانی و یلمه‌ها (۱۳۹۵).

نوآوری این پژوهش، اولاً در پرکردن خلأ معرفتی و کاربردی در زمینه شکرگزاری است. در بحث شکرگزاری معمولاً از چیستی، چرایی، چگونگی، مبانی و آثار شکرگزاری سخن گفته شده؛ اما از موانع شکرگزاری که مقدمه و پیش‌نیاز شکرگزاری است، بحث جامعی انجام نشده است. ثانیاً در بررسی موانع، به جای تمرکز بر متون ادبی و عرفانی، از منظر متون اسلامی به ویژه روایات معصومین علیهم‌السلام بهره گرفته شده است. ثالثاً این پژوهش و نتایج حاصل از عمل به آموزه‌های آن، زمینه‌ساز احیای یکی از فضیلت‌های فراموش شده در جامعه و پاسخ به یکی از نیازهای امروز زندگی، یعنی شکرگزاری و توجه بیشتر به داشته‌ها (به جای توجه به نداشته‌ها و کمبودها) و همچنین، فراهم شدن امکانی برای رفع کردن یکی از رذایل اخلاقی به نام ناسپاسی است.

با توجه به آنچه گذشت، این پژوهش درصدد است با روش توصیفی تحلیلی و بررسی متون اسلامی به ویژه روایات معصومین علیهم‌السلام، موانع شکرگزاری از خداوند در زندگی را بررسی و تحلیل کند.





۱. موانع شکرگزاری از خداوند

مردم بیشتر به علت وجود دو مانع عمده از شکرگزاری خداوند بازمی‌مانند؛ یکی، مانع جهل و ناآگاهی و دیگری، مانع غفلت و فراموشی (غزالی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۸۸؛ فیض، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۱۵۲)؛ چراکه شکر نعمت، زمانی صورت می‌گیرد که اولاً آدمی به وجود نعمت آگاهی داشته باشد و ثانیاً او را غفلت یا فراموشی فرا نگرفته باشد.

مانع نخست یعنی جهل و ناآگاهی بر سه قسم است؛ یا جهل به «منعم» است یا جهل به «نعمت» است یا جهل به «حقیقت شکر» است (نراقی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۶۳۳)؛ برای مثال، کسی که حقیقت شکرگزاری را نداند، گمان می‌کند حقیقت شکر این است که در مواجهه با نعمت‌ها تنها به زبان شکر گزار باشد و بگوید «الحمد لله» یا «شکراً لله»، در حالی که حقیقت شکر، با شکر عملی محقق می‌شود؛ به این شکل که انسان با هر نعمتی روبه‌رو می‌شود، بررسی کند خداوند حکیم، این نعمت را برای چه هدف و مقصودی آفریده و در اختیار او قرار داده است. در این صورت، متوجه می‌شود که خداوند، این نعمت‌ها را در اختیارش قرار داده است تا به واسطه آن‌ها فرمانبرداری و بندگی خدا را بکند و بدین وسیله، به مقام رضا و قرب خداوند نائل شود.

مانع دوم یعنی غفلت انسان نیز بر دو گونه است؛ یکی، غفلتی که ناشی از غلبه شهوت است و دیگری، غفلتی که ناشی از استیلاي شیطان است (نراقی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۶۳۳؛ مجتبوی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۴۱). غفلت ناشی از شهوت و استیلاي شیطان موجب می‌شود آدمی شکر خداوند را به جا نیاورد یا در شکرگزاری کوتاهی کند.

با توجه به دو مانع جهل و غفلت، در تقسیم‌بندی دیگری می‌توان موانع سپاس‌گزاری را به دو گونه موانع درونی و موانع بیرونی تقسیم کرد. موانع درونی شامل دو مورد است: الف) جهل و غفلت در قبال منعم؛ ب) جهل و غفلت در قبال

نعمت. موانع بیرونی نیز شامل سه مورد است: الف) استدراج؛ ب) استیلاهی شیطان؛ ج) جاذبه‌های دنیوی. در ادامه، با توجه به این تقسیم‌بندی دربارهٔ موانع شکرگزاری از خداوند سخن گفته می‌شود.

۱.۱. موانع درونی شکرگزاری

مراد از موانع درونی شکرگزاری، موانعی در روح و ذهن و اندیشه است که با برطرف کردن آنها می‌توان در زمرهٔ شکرگزاران خداوند قرار گرفت. این موانع شامل جهل و غفلت در قبال منعم و جهل و غفلت در قبال نعمت است که در دو قسمت زیر بررسی می‌شوند.

۱.۱.۱. جهل و غفلت در قبال منعم

خداوند بزرگ، از سر فضل و کرم، نعمت‌های بی‌شماری به انسان‌ها عطا کرده و از آنها خواسته شکر او را به جای آورند. در تعریف شکر گفته شده که شکرگزاری یعنی شناخت اینکه همهٔ نعمت‌هایی که انسان دارد از خداوند است و از این رو، خداوند را سپاس گوید و نعمت‌هایش را در راه محبت و رضای خداوند به کار گیرد (نراقی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۱۵)؛ بنابراین یکی از ارکان شکرگزاری این است که انسان همهٔ نعمت‌ها را از خدا بداند. عده‌ای ممکن است نعمت‌هایی را که در زندگی دارند، از خود یا خانوادهٔ خود بدانند که این موجب غفلت از خدا و شکرگزاری او و چه بسا غرور و تکبر در برابر دیگران شود؛ از این رو، انسان باید نعمت‌ها را چه مستقیم و چه غیرمستقیم از خداوند بداند تا در زمرهٔ شاکران واقعی خدا قرار گیرد.

همهٔ کسانی که شاکر واقعی خدا هستند و خداوند در قرآن از آنها ستایش کرده است، نعمت‌ها را از ناحیهٔ خداوند می‌بینند. در مقابل، کسانی که شاکر خداوند نیستند، نعمت‌ها را از ناحیهٔ خود و منسوب به علم و قدرت و تلاش خود می‌دانند.





برای نمونه، حضرت سلیمان علیه السلام که به لحاظ نعمت‌ها و قدرت‌های ظاهری و دنیوی نظیری نداشته است، همه امکانات مادی و موقعیت‌های اجتماعی خود را از فضل و لطف خداوند می‌دانست و معتقد بود این نعمت‌ها به‌عنوان آزمایش الهی در اختیار او قرار گرفته‌اند. اینکه انسان به نعمت‌ها و داشته‌های خود، نگاه آزمایش و ابتلای الهی داشته باشد، می‌تواند آدمی را از غفلت از خداوند یا جهل به او، به‌عنوان نعمت‌بخش و منعم واقعی، رها سازد. قرآن درباره حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید: «کسی که دانشی از کتاب [آسمانی] داشت گفت من آن [تخت ملکه سبا] را پیش از آنکه چشم بر هم زنی، نزد تو خواهم آورد و هنگامی که [سلیمان] آن را نزد خود مستقر دید، گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می‌آورم یا کفران می‌کنم و کسی که شکر نعمت خدا کند، پس همانا شکر برای خودش و به نفع خود کرده است و کسی که کفران ورزد، پس همانا پروردگار من غنی و کریم است» (نمل، ۴۰).

در مقابل، دنیاپرستانی همچون قارون، وقتی به قدرت و نعمتی می‌رسند، همه چیز از جمله خداوند را فراموش می‌کنند و از این رو، قدرت و ثروت خود را محصول دانش اقتصادی و کوشش‌های خود می‌دانند و می‌گویند: ﴿إِنَّمَا أُوتِينَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي﴾؛ [قارون] گفت این ثروت را به‌وسیله دانشی که نزد من است، به دست آورده‌ام» (قصص، ۷۸). حضرت سلیمان، همه نعمت‌ها را از ناحیه خداوند دانسته و می‌گوید: ﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي﴾؛ این از فضل پروردگار من است» (نمل، ۴۰). ایشان افزون بر این جمله که هنگام مشاهده تخت ملکه سبا در برابر خود به زبان آورد، به نکته مهم دیگری نیز اشاره می‌کند و آن این است که این قدرت و امکانات و نعمت‌ها برای من نیست، بلکه امانتی در دست من است و خداوند مرا بدین وسیله می‌آزماید که آیا شکر گزار او هستم و نعمت‌ها را در راه رضای او به کار می‌گیرم یا نه.

در آیات ۱۸ و ۱۹ سوره نمل نیز از حضرت سلیمان نقل شده که ایشان همه نعمت‌ها را از خدا دانسته و از او توفیق شکرگزاری درخواست می‌کند. وقتی

حضرت با لشکریانش به سرزمین مورچگان وارد شد و سخن مورچه‌ای را شنید که می‌گفت: «ای مورچگان، داخل لانه‌های خود شوید تا سلیمان و لشکریانش شما را پایمال نکنند، در حالی که نمی‌فهمند»، به درگاه خدا رو کرد و از او چند چیز خواست: نخست، پروردگارا، راه و رسم شکرگزاری از نعمت‌هایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام فرما ﴿وَقَالَ رَبُّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ﴾ تا بتوانم نعمت‌های عظیمت را در راهی که تو فرمان داده‌ای و مایهٔ خشنودی توست به کار گیرم و از مسیر حق منحرف نگردم؛ چراکه ادای شکر این همه نعمت جز به مدد و یاری تو ممکن نیست (حضرت با تعبیر «نِعْمَتِكَ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ» همهٔ این نعمت‌ها را از ناحیهٔ خداوند می‌داند). دوم: مرا موفق دار تا (شکر عملی این نعمت‌ها را با) عمل صالحی به جای آورم که تو از آن خشنود می‌شوی ﴿وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ﴾. مهم این است که بتوانم از این نعمت‌ها رضایت تو را کسب کنم.

بنابراین، کسانی که احیاناً از امکانات مالی زیاد یا موقعیت اجتماعی خوب برخوردار هستند، اگر این پیامبر بزرگ را الگوی رفتاری خود قرار دهند و بدانند هرچه از امکانات مالی و دنیوی و موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی برخوردار باشند به اندازهٔ ایشان ندارند، همهٔ داشته‌های خود را از خداوند می‌دانند و به شکرگزاری خداوند مشغول می‌شوند.

۱.۱.۲. جهل و غفلت در قبال نعمت

یکی دیگر از موانع شکرگزاری، جهل به نعمت است. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «فقط کسی که نعمت‌شناس باشد می‌تواند سپاس نعمت را بگوید و نعمت را جز کسی که عارف و آگاه به آن باشد، شکر نمی‌گزارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۷۸). جهل به نعمت یا به علت وسعت و زیادی نعمت‌های الهی است (و فور نعمت) یا به علت عمومیت و همیشگی بودن نعمت‌های الهی (شمول و دوام





نعمت) (غزالی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۷۹) و یا به علت کوچک شمردن نعمت. به سخن دیگر، می توان گفت از موانع شکرگزاری، یکی جهل و غفلت ناشی از وفور نعمت، دیگری، جهل و غفلت ناشی از شمول نعمت و سوم، جهل و غفلت ناشی از کوچک شمردن نعمت است. در ادامه، به هریک پرداخته می شود.

الف. جهل و غفلت ناشی از وفور نعمت: نعمت های الهی بر انسان آن قدر زیاد است که نمی توان آن ها را شمرد و انسان به چیزی که قابل شمارش نباشد، جهل دارد و نمی تواند شکرگزاری این نعمت های بی پایان را به جا آورد؛ لذا خداوند در قرآن فرمود: ﴿وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾ (ابراهیم، ۳۴؛ نحل، ۱۸). امام سجاده علیه السلام نیز در «مناجات شاکرین»، وفور نعمت های الهی را مانع شکرگزاری خداوند بیان کرده است: ﴿إِلَهِي... أَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ نِعْمَتِكَ فَفِيضُ فَضْلِكَ﴾؛ خدایا... فراوانی فضل و بخشش، مرا از مدح و ستایش عاجز ساخته است... این است جایگاه کسی که به وفور نعمت های تو و در برابر آن، به کوتاهی خود اعتراف دارد و علیه خود به سستی در بندگی و هدر دادن نعمت ها گواهی می دهد» (مجلسی، ۱۴۲۳ق، ص ۴۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱، ص ۱۴۱). در بسیاری از مواقع، غفلت یا جهل در قبال نعمت ها موجب ترک شکرگزاری یا کوتاهی در شکرگزاری می شود؛ چراکه شمار این نعمت ها زیاد است و به وفور در اختیار انسان هستند.

اگر کوچک ترین نعمت های الهی را تصور کنید، میلیون ها نعمت در او مندرج است؛ برای مثال، یک قرص نانی را که انسان سر سفره تناول می کند تصوّر کنید که این گندم از زمان حضرت آدم تاکنون، چقدر کشاورز زحمت کشیده و گندم را پی در پی کشت کرده تا اکنون و در این زمان به دست ما رسیده است. چقدر باران باریده، آفتاب تابیده تا این دانه گندم به وجود آمده و چه مقدار تصرفات در او شده تا درب مغازه نانوانی قرار گرفته است. چقدر این گندم توسط افراد مختلف دست به دست شده [از کشاورز که کاشته، دروکنندگان، انتقال دهندگان گندم به

سیلو، آسیاب کنندگان، ناظران بهداشت، رانندگان و کارگران حمل کننده آرد به نانوايي، کارگران مختلف در نانوايي تا کسانی که این نان را خریده و سر سفره قرار داده‌اند] تا شما بتوانید آن را استفاده کنید. پس از استفاده از این نان نیز خداوند چه اندازه وسایل فراهم فرموده؛ از دست و زبان و دهان و دندان و حلق و امعاء و سایر اجزاء داخل بدن و چه اندازه قوا در بدن قرار داده؛ مثل قوه جاذبه، هاضمه و ماسکه تا این یک قرص نان چند قسمت شده و به تمام اعضاء بدن سهمی رسیده، از ناخن تا فرق سر، تا بتواند این تکه نان، خون، گوشت، استخوان و دیگر اعضا شده و تازه پس از هضمش، فضولاتش با چه وسایلی دفع می‌شود. این تازه یک قرص نان و یک نعمت کوچک است، چه برسد به سایر نعمت‌های ظاهریه و باطنیه، سماویه و ارضیه، دینیه و دنیویه، جسمانیه و روحانیه، اخلاقیه و افعالیه، قلبیه و نفسیه و غیر این‌ها (طیب، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۹۶).

بنابراین، وقتی انسان با انبوهی از نعمت‌هایی مواجه می‌شود که به راحتی، قابل شمارش نیستند، چه بسا از آن‌ها غفلت کرده، آن‌ها را نعمت نشمارد، خدای بزرگ را فراموش کند و سپاس گزار او نباشد یا آن‌گونه که شایسته است، شکرگزاری نکند.

ب. جهل و غفلت ناشی از شمول و دوام نعمت: برخی از نعمت‌ها را می‌توان به شماره آورد؛ اما از بس این نعمت‌ها عام و فراگیر یا همیشگی‌اند و پی‌درپی می‌رسند و برای همه و در همه حالات هستند، انسان از آن‌ها غافل می‌شود و ممکن است این نعمت‌های عام را اصلاً نعمت نشمارد و به خاطر آن‌ها شکرگزاری نکند؛ به‌ویژه که او به این نعمت‌ها عادت کرده و تصور می‌کند همیشه باید باشند. اما زمانی که این نعمت‌ها را از دست بدهد، تازه قدر آن‌ها را می‌فهمد و درمی‌یابد که چه نعمت‌های بزرگی بوده‌اند. اصلاً اگر بخواهیم نام نعمت بر چیزی بگذاریم، باید به این نعمت‌ها، نعمت بگوییم؛ مثل نعمت هوا (اکسیژن)، نعمت آب، نعمت نور خورشید، نعمت سلامت، نعمت امنیت و نعمت گوش و چشم و دیگر اعضا و جوارح بدن. این





نعمت‌ها را می‌توان به نام برشمرد؛ اما از بس برای همه افراد و در حد زیاد وجود دارند یا به لحاظ زمانی همواره تداوم دارند و منقطع نمی‌شوند، از نعمت بودن آن‌ها غفلت می‌شود. امام‌زین‌العابدین علیه‌السلام در مناجات شاکرین، همیشگی بودن و پیوستگی نعمت‌ها را مانع شکرگزاری خداوند می‌داند: «إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ... وَ سَعَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ وَ أَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ؛ خدایا پیایی آمدن نعمت‌های طولانی‌مدت، برپاداشتن سپاست را از یاد من برده است... و در پی هم آمدن احسانت مرا از حمد تو و یاد کردن نیکی‌هایت باز داشته است و پشت سر هم رسیدن نعمت‌هایت مرا از نشر و گسترش خوبی‌هایت درمانده کرده است» (مجلسی، ۱۴۲۳ق، ص ۴۱۱).

افراد زیادی هستند که یا فقط نعمت مال و ثروت و دارایی‌ها را نعمت می‌دانند یا نعمت‌هایی را که به خودشان اختصاص داشته باشد و دیگران آن را ندارند، نعمت می‌شمردند، نه نعمت‌های عام و گسترده‌ای که نزد همه هست یا همیشه یا اکثر مواقع برای انسان تداوم دارد. زمانی نعمت بودن این نعمت‌های عام یا همیشگی برای چنین کسانی معلوم می‌شود که این نعمت‌ها از آنان گرفته شود و احیاناً دوباره به آن‌ها داده شود؛ برای نمونه، نعمت آب که بسیاری، از نعمت بودن آن غافل‌اند، به وقت تشنگی، ارزشمندتر از پادشاهی بر همه زمین است. نقل است که «ابن سَمَّاک بر یکی از خلفا وارد شد، در حالی که خلیفه کوزه آبی در دست داشت و از آن می‌آشامید. خلیفه به او گفت: مرا موعظه‌ای کن. پاسخ داد: اگر این شربت آب را به تو ندهند جز به اینکه همه اموالت را بدهی، آیا اموالت را می‌دهی؟ پاسخ داد: آری. گفت: اگر شربت آب را به تو ندهند جز به اینکه همه مملکت خود را بدهی، آیا پادشاهی را رها می‌کنی؟ پاسخ داد: آری. گفت: پس به سلطنتی که به شربت آبی نمی‌ارزد، شادمان مباش» (فیض کاشانی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۱۵۳؛ عارف، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۷۳). آری، نعمت آب، به‌علت اینکه برای همیشه همه هست، از نعمت‌های مغفولی است که تا انسان آن را از دست ندهد، قدرشناس آن نیست.



درباره نعمت‌های عام دیگری مثل سلامت، امنیت و فراغ خاطر و نداشتن نگرانی و گرفتاری نیز روایاتی وجود دارد که در آنها، این نعمت‌ها را پوشیده و ناشناخته نامیده‌اند؛ مثل روایتی که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «امنیت و عافیت، دو نعمتی است که [قدر و ارزش آنها تا برای شخصی وجود دارد] پوشیده‌اند [تنها زمانی که از بین بروند، قدرشان معلوم شود]» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۴). در روایتی دیگر، آن حضرت می‌فرماید: «تندرستی و فراغ خاطر، دو نعمت پوشیده و ناشناخته‌اند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۸۱). همچنین، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره اهمیت سه نعمت بزرگ امنیت، عافیت و غذای روزانه فرمود: «هر کس شب را به روز آورد، به طوری که مالش از شر مردم ایمن باشد، بدنش سالم باشد و معاش و غذای آن روز را داشته باشد، گویی همه دنیا از آن او و در اختیار اوست» (امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۴۰۰، ص ۱۱۵). این درحالی است که «اگر در حالات مردم بررسی و دقت کنی، می‌بینی که شکایت ایشان از چیزهایی غیر از این سه نعمت امنیت، عافیت و معاش روزانه است، با اینکه آنها رنج و وبال ایشان است. بلکه اگر برای انسان جز نعمت ایمان، نعمتی نبود که به وسیله آن به نعمت و آسایش پایدار و دارایی عظیم برسد، سزاوار بود آن نعمت را بزرگ شمارد و عمر خود را در شکرگزاری آن صرف کند. بلکه عاقل نباید به چیزی جز نعمت معرفت و یقین و ایمان، شاد گردد» (نراقی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۶۳۳)؛ لذا باید نعمت‌های عام مادی و نعمت‌های معنوی را در نظر آورد و با توجه کردن به نقش آنها در حیات دنیوی و اخروی، همیشه شکرگزار خداوند بود.

فرد آگاه و عاقل، کسی است که به نقش این نعمت‌ها در زندگی توجه دارد و به شکرگزاری برای آنها مشغول می‌شود. چنین کسی این گونه نیست که وقتی این نعمت‌ها را از دست بدهد و دچار گرفتاری شود، تازه بفهمد چه نعمتی را از دست داده است. به گفته غزالی، اینکه کسی اول به گرفتاری‌ها دچار و سپس نجات یابد تا خدا را شکر گوید، ناشی از نهایت جهل اوست؛ زیرا شکرگزاری چنین کسی منوط



به این است که در بعضی از احوال، نعمت از او سلب و سپس به وی برگردانده شود. این در حالی است که شکرگزاری برای نعمتی که در همه احوال استمرار دارد، از نعمتی که در بعضی از حالات برقرار است، سزاوارتر است. معمولاً شخص بینایی را نمی‌بینیم که به خاطر نعمت بینایی خود شکرگزار باشد؛ اما اگر کور شود و پس از مدتی دوباره بینایی اش را به دست آورد، قدر نعمت بینایی را می‌فهمد و شکر می‌گوید. به عبارت دیگر، چون رحمت خدا گسترده است و همه خلایق را فرا گرفته و در همه احوال، این رحمت و نعمت‌ها بر خلایق سایه افکنده است، جاهل آن‌ها را نعمت نمی‌شمارد. چنین کسی مانند بنده بدی است که اگر مولایش پیوسته او را نزند، گردنکشی کرده و سپاس‌گزاری از مولایش را ترک می‌کند؛ اما اگر در بیشتر اوقات او را بزند و ساعتی او را نزند، سپاس‌گزار مولا و آقای خود می‌شود (غزالی، بی تا، ج ۴، ص ۳۸۸). سزاوار است چنین فرد ناسپاسی را پیوسته بزند تا اگر ساعتی از زدنش دست بازدارند، آن را متنی بر خود بشمارد؛ چراکه اگر به کلی از زدن او دست بردارند، سرمست می‌شود و شکرگزاری را ترک می‌کند.

ج. جهل و غفلت ناشی از کوچک‌شمردن نعمت: بعضی از انسان‌ها ممکن است به افرادی که از نعمت‌های بیشتری برخوردارند، نگاه کنند و نعمت‌های آنان را مورد توجه قرار دهند و در مقابل، از نعمت‌هایی که خداوند به خودشان داده است، غفلت کنند و آن‌ها را ناچیز یا نادیده بگیرند و از این رو، مرتکب ناشکری یا کوتاهی در شکرگزاری شوند. در واقع، با مقایسه نادرست نعمت‌هایی که دیگران دارند با نعمت‌های خود، داشته‌های خود را کوچک می‌شمارند و در نتیجه، از نعمت‌های الهی غافل می‌شوند. البته مقایسه کردن، امری ذهنی است و چه بسا در مواردی در اختیار ما نباشد؛ اما در بسیاری از موارد، در اختیار ماست و باید از مقایسه‌هایی که به حس شکرگزاری آسیب می‌رساند، اجتناب کرد. به گفته رابرت امونز^۱:

1. Robert E. Emmons

ذهن ما همچون ماشین مقایسه کننده است. ما همواره مقایسه‌های فراوانی در زندگی داریم؛ اما بعضی از مقایسه‌ها به شالوده احساس سپاس‌گزاری ما آسیب می‌زنند و برای ما زیان‌بار هستند. در نظر بگیرید ما به عده‌ای از انسان‌های پیرامونمان حسادت بورزیم که موقعیت آن‌ها در ظاهر بسیار بهتر از موقعیت ما به نظر می‌رسد. در این مواقع، ممکن است با خودمان این‌گونه بیندیشیم که «چنین موقعیتی، در واقع، حق من بوده است». این مقایسه به‌راستی به شالوده احساس سپاس‌گزاری ما آسیب می‌رساند و آن را سست می‌کند. در حالی که مقایسه وارونه می‌تواند احساس سپاس‌گزاری را در ما زنده کند؛ یعنی مقایسه کنیم که ما نعمت‌های دیگری داریم که دیگران ندارند (امونز، ۱۳۹۶، ص ۵۴).

رسول مکرم اسلام ﷺ در روایتی، به انسان‌ها هشدار داده و از ایشان خواسته است نعمت‌های دیگران موجب نشود نعمت‌هایی را که خدا به خودشان داده است، نادیده بگیرند و از شکر خدا غافل شوند. به گفته ایشان، «خداوند متعال فرمود: ای فرزند آدم، گناه دیگران، تو را از گناه خودت غافل نکند [یعنی فکر نکن که آن‌ها گناهکارند و تو نیستی] و همین‌طور، نعمت‌هایی که مردم دارند، تو را از نعمت خداوند بر خودت غافل نکند [یعنی فکر نکنی که خداوند تنها به آن‌ها نعمت داده، بلکه به تو هم نعمت‌های دیگری داده است]» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۹).

امام صادق علیه السلام نیز چنین هشدار داده و یکی از آسیب‌های مقایسه خود با دیگران را موجب کاهش شکرگزاری دانسته‌اند: «برحذر باشید از اینکه نگاه طولانی خود را به آنچه در دست فرزندان دنیاست متوجه کنید؛ پس کسی که نگاهش را به فرزندان دنیا طولانی کند [و خود را با آنان مقایسه کند]، غم و اندوه او طولانی خواهد شد و خشمش فرو نخواهد نشست و نعمت‌هایی را که از خداوند در نزدش هست، کوچک خواهد شمرد و در نتیجه، شکرگزاری او برای خداوند متعال کم خواهد شد. همواره به کسی نگاه کن که نصیبت از نعمت‌های الهی، کمتر از





توست؛ زیرا اگر چنین کنی، شکر نعمت‌های موجود را به جای آورده‌ای و برای افزایش نعمت‌های خداوند، شایستگی پیدا می‌کنی و قرارگاه عطیة الهی خواهی شد (عدّة من الرواة، ۱۴۰۵ق، ص ۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۶۷).

۲.۱. موانع بیرونی شکرگزاری

مراد از موانع بیرونی شکرگزاری، موانعی است که موجب می‌شود انسان تحت تأثیر عوامل بیرون از خود و بی‌ارتباط با ذهن و درون، از انجام شکرگزاری خداوند بازماند یا سپاس خداوند را آن‌گونه که باید به جای نیاورد. این موانع بیرونی بر چند قسم هستند که در اینجا به سه قسم از آن، یعنی استدراج، شیطان و جاذبه‌های دنیا اشاره می‌شود.

۱.۲.۱. استدراج

یکی از موانع بیرونی شکرگزاری، استدراج یا فزونی و پی‌درپی آمدن نعمت‌های دنیا برای انسان گناهکار است. گاهی خداوند به کسی که نعمت‌های الهی را در مسیر گناه و نافرمانی‌اش به کار می‌برد، پی‌درپی نعمت می‌دهد تا غفلت او را فرا گیرد، توفیق شکرگزاری به‌ویژه شکر عملی از او سلب شود و به ناسپاسی روی آورد. به او برای بازگشت از گناه، مهلت داده می‌شود تا زمانی که به اوج ناسپاسی برسد؛ در این هنگام، ناگهان خداوند او را مجازات می‌کند و نعمت‌هایش را از او می‌ستاند. امام حسین علیه السلام، ضمن بیان تعریفی از استدراج، یکی از موانع سپاس‌گزاری را استدراج معرفی کرده و می‌فرماید: «استدراج از ناحیة خداوند این است که به بنده‌اش نعمت فراوان می‌دهد و توفیق شکرگزاری را او سلب می‌کند» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۶). در واقع، سلب توفیق شکرگزاری، مقدمه مجازاتی است که شخص بر اثر گناه و به عبارتی، ناسپاسی و استفاده از این نعمت‌ها در مسیر نافرمانی خداوند، مستحق آن می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر گاه خدای متعال برای بنده‌ای بد بخواهد، پس از انجام گناه، به او نعمتی می‌بخشد تا استغفار را فراموش کند و همین‌طور، خداوند پیوسته به او نعمت می‌دهد و این [فزونی نعمت پس از گناه و شکرگزاری نکردن] همان استدارجی است که خدای متعال می‌فرماید: «اندک‌اندک آنان را از جایی که نمی‌دانند به شقاوت می‌رسانیم» (اعراف، ۱۸۲) [و از آنان انتقام می‌گیریم و آن‌ها را از نعمت‌ها محروم می‌کنیم]. و این قسمت آیه که فرمود: «از جایی که نمی‌دانند، آرام آرام بدبخت و گرفتارشان می‌کنیم (مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ)، یعنی از طریق نعمت‌هایی که هنگام گناهانشان به آنان می‌دهیم (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۶۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۶۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۹۷).

۱.۲.۲. شیطان

یکی دیگر از موانع بیرونی شکرگزاری، شیطان است که همواره درصدد گمراه‌ساختن انسان‌هاست تا آنان موفق به سپاس‌گزاری از خداوند نشوند. در قرآن یکی از اهداف شیطان، ناسپاس کردن بندگان خداوند ذکر شده است. شیطان که دشمن خدا و بندگان اوست، از تمام راه‌های فریب استفاده می‌کند تا اکثر بندگان خدا را از سپاس‌گزاری خداوند دور کند و تنها تعداد کمی از ایشان سپاس‌گزار خداوند باشند. قرآن به نقل از شیطان، خطاب به خداوند، چنین می‌گوید: ﴿قَالَ قَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمُ بَينَ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾؛ گفت: پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی، من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست. آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آن‌ها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت» (اعراف، ۱۶-۱۷). بر اساس این آیه، هدف و آرزوی شیطان، ناسپاسی انسان است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۲).





مطابق این آیه، شیطان قسم نخورده است که نگذارد بندگان خدا نماز بخوانند یا روزه بگیرند یا حج بگذارند، بلکه قسم خورده کاری کند که بیشتر بندگان خدا شاکر نباشند. شیطان بر سر راه انسان‌ها کمین می‌کند و از چهار طرف (پیش رو، پشت سر، طرف راست و طرف چپ) به سراغ آن‌ها می‌آید تا کاری کند اکثرشان شکرگزار خداوند نباشند. «ممکن است تعبیر چهار طرف، کنایه از این باشد که شیطان، انسان را "محاصره" می‌کند و سعی دارد به هر وسیله‌ای که ممکن است برای وسوسه و گمراهی او بکوشد و این تعبیر در کلمات روزمره نیز دیده می‌شود که می‌گوییم فلان کس از چهار طرف گرفتار قرض یا بیماری یا دشمن شده است. اینکه سمت بالا و پایین ذکر نشده به خاطر آن است که انسان معمولاً در چهار سمت، حرکت و فعالیت دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۱۰).

اما شیطان با چه نقشه و فریبی مانع شکرگزاری اکثر بندگان خدا می‌شود؟ یکی از راه‌های او این است که با فریفتن و گمراه کردن آنان، نمی‌گذارد نعمت‌های الهی در مسیر اهدافی که این نعمت‌ها در اختیار انسان قرار گرفته‌اند، به کار روند؛ برای مثال، شیطان، انسان را مشغول دنیا و جاذبه‌ها و شهوات آن می‌کند و او را از آخرت و اطاعت از دستورات دین و آراسته شدن به فضایل اخلاقی بازمی‌دارد و نمی‌گذارد از نعمت عمر و زندگی زودگذر دنیا برای آخرت و زندگی همیشگی خود بهره‌درستی ببرد. امام باقر علیه السلام در روایتی، ضمن تفسیر آیه یادشده، می‌فرماید:

منظور از آمدن شیطان از «پیش رو» این است که آخرت را که در پیش روی انسان قرار دارد، در نظر آدمی سبک و ساده جلوه می‌دهد و منظور از «پشت سر» این است که آن‌ها را به گردآوری اموال و تجمع ثروت [برای بازماندگان و کسانی که بعد از او هستند] و بخل از پرداخت حقوق واجب به خاطر اینکه برای فرزندان و وارثان باقی بماند، دعوت می‌کند و منظور از «طرف راست» این است که دین آن‌ها [که راه مستقیم و راست است] را با زیبا و جذاب نشان دادن بیراهه‌های گمراهی و

ایجاد شبهه و تردید ضایع می‌سازد و منظور از «طرف چپ» این است که لذات مادی و شهوات را در نظر آن‌ها خوب جلوه می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۱۳۲).

یکی دیگر از راه‌های فریب شیطان برای اینکه مانع شکرگزاری اکثر بندگان خدا شود، ممکن است این باشد که آنان را گمراه می‌کند تا به جای اینکه نعمت‌ها را از جانب خدا بدانند و او را سپاس گزار باشند، نعمت‌هایی را که در اختیار آنان قرار می‌گیرد به غیر خدا نسبت بدهند تا خدا و سپاس‌گزاری‌اش را فراموش کنند؛ برای مثال، نعمت‌ها را به خود و تلاش‌های خویش یا دیگر واسطه‌های نعمت نسبت دهند (رک: مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۸۴).

۱.۲.۳. جاذبه‌های دنیا

یکی از اموری که ممکن است مانع شکرگزاری، به‌ویژه شکرگزاری عملی شود، جاذبه‌های دنیوی و سرگرم‌شدن به دنیاست. گاهی برخی از افراد با وجود درآمد زیاد، به قدر کفاف، قناعت نمی‌کنند و به دنبال افزایش مال بیش از حد نیاز می‌روند. جاذبه‌های دنیوی و تکاثر و جمع‌آوری مال دنیا می‌تواند آدمی را از ادای شکر نعمت‌های فراوان بازدارد یا موجب شود آن‌چنان که شایسته است، سپاس خداوند را به جای نیاورد.

در روایات به این موضوع اشاره شده است؛ برای نمونه، در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «اهل دنیا هنگام نعمت و راحتی شکر نمی‌کنند و هنگام بلا و سختی صبر ندارند» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۱). در پاسخ به این پرسش که چرا اهل دنیا با وجود اینکه معمولاً از نعمت‌های خداوند نیز بیشتر برخوردارند، شکر گزار خدا نیستند یا شکر خدا را کمتر به جای می‌آورند، از منظر روایات می‌توان عللی همچون سرگرمی به دنیا، زیادی مال دنیا و سرمستی را برشمرد.





در زمینه سرگرم شدن به دنیا و زیادی مال دنیا، امام صادق علیه السلام در دعایی از خداوند می‌خواهد: «خدایا، مرا سرگرم دنیا نساز تا از شکر نعمت‌هایت بازمانم. خدایا، مرا به واسطه زیادی نعمت‌های دنیا از شکرگزاری نعمت‌هایت بازمدار که خرمی و خوش حالی آن، مرا به خود سرگرم سازد و درخشندگی شکوفه‌هایش مرا فریب دهد و گمراه کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۹۸). گاهی انسان به خاطر داشتن مسئولیت و مقام اجتماعی یا درآمدهای کلانی و یا کارهای زیادی که برای اداره شغلش باید انجام دهد، آن قدر به دنیا و امور زندگی مادی مشغول می‌شود که نمی‌تواند شکرگزار این حجم از نعمت‌ها و کارها باشد و چه بسا همین اموال زیاد، منزل و وسایل گران‌قیمت، موقعیت اجتماعی و شغل ارزشمند، او را اهل غفلت کند و از شکرگزاری این نعمت‌ها بازدارد؛ به طوری که فقط به دنبال افزایش ثروت و جمع‌آوری بیشتر نعمت‌های دنیا برود. این شخص ممکن است به خاطر دارایی‌ها و اشتغالات زیاد، از انجام تعهدات مالی شرعی و تکالیف اقتصادی دینی مثل پرداخت خمس و زکات و انفاق و انجام دیگر وظایف شرعی که مصداق شکرگزاری عملی به درگاه الهی است بازماند و بدین وسیله، شکرگزاری خداوند را ترک کند. داستان ثعلب بن حاطب انصاری که در ذیل آیه ۷۵ سوره توبه نقل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۴۸) نشان می‌دهد چگونه جاذبه‌های دنیوی و سرگرمی به مال دنیا موجب شد او با وجود اموال فراوان، شکرگزار عملی نعمت‌های الهی نباشد و از انجام بسیاری از وظایف دینی و مالی همچون پرداخت زکات محروم گردد.^۱

۱. در روایات آمده است که روزی ثعلبه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای رسول خدا، در پیشگاه خدا برای من دعا کن تا مالی به من عنایت فرماید». پیامبر فرمود: «ای ثعلبه، برو و به آنچه داری قناعت کن؛ چراکه انسان سپاس‌گزار بهتر از انسان ثروتمندی است که شکرگزاری نمی‌کند». ثعلبه طی چند روز به طور مرتب خدمت رسول خدا رسید و این درخواست را تکرار کرد و به حضرت قول داد که در صورت داشتن مال فراوان، حقوق خدا و مردم را پرداخت کند. به دعای پیامبر، خداوند مال فراوان به وی داد و تعداد اندک گوسفندان او به قدری زیاد شد که وی ناچار شد از مدینه خارج شود و به دلیل گرفتاری‌ها و سرگرمی دنیا، کم‌کم از بهره‌مندی از نمازهای پیامبر و همراهی با ایشان محروم شد و از پیامبر فاصله گرفت. زمانی که آیات زکات نازل شد، مأمور جمع‌آوری زکات، دستور خداوند ←

افزون بر سرگرم شدن به دنیا، سرمستی و جنون مال و ثروت نیز ممکن است افراد را به فراموشی از شکرگزاری خداوند بکشاند. گاهی بعضی از افراد به خاطر درآمد فراوان، داشتن منزل و باغ بزرگ، خودرو قیمتی، صورت زیبا یا مدرک و موقعیت علمی یا اقتصادی و یا اجتماعی، آن‌چنان در شادمانی و خوشحالی و خودشیفتگی غرق می‌شوند که به دیگران توجهی ندارند و به عجب و خودبرتربینی یا تکبر و غرور و دیگر رذایل اخلاقی دچار می‌شوند؛ ابتلا به این رذایل، همان شکرگزاری نکردن از نعمت‌های الهی و به کارنگرفتن آن‌ها در مسیر صحیح است. امام علی علیه السلام توصیه می‌کند: «به‌جای شادمانی و سرمستی از دریافت نعمت، به شکرگزاری برای نعمت مشغول شو» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۸۳). امام صادق علیه السلام نیز در دعایی یادآوری می‌کند که نباید با کوتاهی در شکرگزاری، از نعمت‌های الهی سرمست شد:

پروردگارا، چقدر نعمت‌هایت را بر من آشکار ساختی! به‌قدری نعمت‌هایت بر من زیاد و بی‌شمار است که من توان شمارش آن‌ها را ندارم. با وجود این، شکر من در برابر آنچه به من عطا کردی، کم است و من [به‌جای شکرگزاری] فقط با نعمت‌ها سرمستی کردم و خود را بدین وسیله در معرض عذاب‌ها و گرفتاری‌ها قرار دادم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۵۹۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



→ را به وی ابلاغ کرد؛ اما او حکم زکات را انکار کرد و زکات را همچون جزیه مسیحیان دانست و از انجام این واجب الهی و شکر عملی نعمت و پرداخت زکات گوسفندانش اجتناب کرد و بدین ترتیب، مال‌اندوزی، وی را در زمره ناسپاسان عملی قرار داد (رک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۲۵۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۹۹).



نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی موانع شکرگزاری از خداوند در سنجۀ متون اسلامی (به‌ویژه روایات) بود. روشن شد با وجود آثار زیاد و شگفت‌انگیزی که شکرگزاری دارد و در مقابل، به‌رغم آثار زیان‌باری که ناسپاسی در زندگی انسان به جای می‌گذارد، افراد به‌علت وجود موانعی، شکرگزاری از خداوند را ترک می‌کنند. در تحلیل موانع شکرگزاری گفته شد که این موانع بر دو قسم‌اند: موانع درونی و موانع بیرونی. موانع درونی عمدتاً به جهل و غفلت انسان مربوط است. جهل و غفلت نیز یا در قبال «منعم» است یا در قبال «نعمت». جهل و غفلت در قبال نعمت سه علت دارد: وفور نعمت، شمول و دوام نعمت، و کوچک‌شمردن نعمت‌های خود یا مقایسهٔ نعمت‌های دیگران با نعمت‌های خود. وفور، شمول و کوچک‌شمردن نعمت موجب می‌شود شخص از نعمت‌بودن چیزی غفلت کند یا از نعمت‌بودن آن آگاهی پیدا نکند.

موانع بیرونی شکرگذاری عمدتاً سه منشأ و علت عمده دارد؛ این علل گاهی به خدا (استدراج)، گاهی به شیطان (وسوسه‌ها) و گاهی به محیط پیرامون و جاذبه‌های دنیوی بازمی‌گردد. گاهی خداوند به شخصی که با او اتمام حجت کرده، آن‌قدر پی‌درپی نعمت می‌دهد که از خداوند و سپاس‌گزاری او غفلت کند و مسیر نافرمانی خداوند را بپیماید؛ بدین ترتیب، از طرفی، آرام‌آرام از رحمت خداوند دور می‌شود و از طرف دیگر، به تدریج به سوی عذاب الهی قدم برمی‌دارد (استدراج). گاهی نیز شیطان با وسوسه، آدمی را از توفیق شکرگزاری بازمی‌دارد و در برخی موارد، جاذبه‌های دنیوی و زیادی مال دنیا یا سرگرم‌شدن به دنیا و یا سرمستی از دنیا، انسان را از شکرگزاری خداوند محروم می‌سازد. از آنجا که ترک شکرگزاری، عذاب و مجازات‌ها و گرفتاری‌هایی را برای فرد ناسپاس به‌دنبال دارد، آگاهی افراد از این موانع و برطرف کردن آن‌ها موجب می‌شود ضمن دورماندن از زیان‌های ترک

شکرگزاری و ناسپاسی، از منافع سپاس‌گزاری در دنیا و آخرت بهره‌مند شوند و به فضیلت اخلاقی سپاس‌گزاری آراسته و از رذیله اخلاقی ناسپاسی پیراسته شوند.





کتاب نامه

- * قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الأمالی، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، قم: داوری.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا ع، تهران: جهان.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- امام صادق علیه السلام، جعفر بن محمد (منسوب به امام صادق علیه السلام) (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- امونز، رابرت ای. (۱۳۹۶)، دریچه‌ای به دنیای شگرف سپاس‌گزار، ترجمه سیما فرجی، تهران: نسل نو اندیش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
- حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب، قم: الشریف الرضی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
- عارف، محمدصادق (۱۳۸۷)، راه روشن (ترجمه المحجة البیضا فی تهذیب الاحیاء)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- عدة من الرواة (۱۴۰۵ق)، الاصول الستة عشر، قم: دار الشبستری.

عروسی حویزی، عبدعلی (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
غزالی، محمد (۱۳۸۳)، کیمیای سعادت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
غزالی، محمد (بی تا)، احیاء علوم الدین، بیروت: دار الجیل.
فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۳۰ق)، المحجّة البيضاء، بیروت: مؤسسه
الاعلمی للمطبوعات.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.
مجتبوی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۶)، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)،
تهران: حکمت.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳ق)، زاد المعاد، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۳ق)، الأمالی، قم: کنگره شیخ مفید.
مکارم شیرازی، ناصر (با همکاری جمعی از دانشمندان) (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه،
تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نراقی، محمد مهدی (۱۴۲۷ق)، جامع السعادات، بیروت: مؤسسه الاعلمی
للمطبوعات.

نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه
آل‌البتّه.



Reference

- The Holy Quran*. translated by Mohammad Mahdi Fouladvand.
- A number of narrators (۱۹۸۴). *al-Osul al-Seta Ashar*. Qom: Dar al-Shabastri.
- aArusi Hovizi, Abd Ali (۱۹۹۴). *Tafsir Noor al-Thaqalain*. Qom: Ismailian.
- Abul Fottuh Razi, Hossein bin Ali (۱۹۸۷). *Rouz al-Jinan wa Rouh al-Janani fi Tafsir al-Qur'an*. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- al-Sadiq, Jafar bin Muhammad (attributed to Imam Sadiq) (۱۹۷۹). *Misbah al-Sharia*. Beirut: al-Alami Press Institute.
- Aref, Mohammad Sadiq (۲۰۰۸). *Rah Roshan* (Translation of the al-Mohajah al-Baida fi Tahdhib al-Ehya). Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Deilami, Hassan bin Muhammad (۱۹۹۱). *Irshad al-Qulub*. Qom: al-Sharif al-Radi.
- Emmons, Robert E. (۲۰۱۷). *A window to the wonderful world of gratitude*. translated by Sima Faraji. Tehran: Nasle Noandish.
- Feiz Kashani, Molla Mohsen (۲۰۰۸). *al-Mahjjah al-Bayda*. Beirut: al-Alami Press Institute.
- Ghazali, Mohammad (۲۰۰۴). *Kimiai Saadat*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Ghazali, Muhammad (n. d.). *Ehya al- Ulum al-Din*. Beirut: Dar al-Jeel.
- Harrani, Hassan bin Ali (۱۹۸۳). *Tohaf al-Oqool*. Qom: Qom seminary community.
- Hor Alamili, Muhammad bin Hasan (۱۹۹۸). *al-Wasael al-Shiah*. Qom: Al al-Bayt Foundation.
- Ibn Babevayh (Saduq), Muhammad bin Ali (۱۹۸۳). *Al-Khesal*. Qom: Islamic Publications Office.
- Ibn Babevayh (Saduq), Muhammad bin Ali (۱۹۹۲). *Man La yahzoroho al-Faqih*. Qom: Islamic Publications Office.
- Ibn Babevayh (Saduq), Muhammad bin Ali (۱۹۹۷). *al-Amali*. Tehran: Kitabchi.
- Ibn Babevayh (Saduq), Muhammad bin Ali (۱۹۹۹). *Oion al-Akhbar al-Reza*. Tehran: Jahan.
- Ibn Babevayh (Saduq), Muhammad bin Ali (۲۰۰۶). *Elal al-Sharia*. Qom: Davari.
- Koleini, Muhammad ibn Yaquub (۱۹۸۶). *al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Leithi Waseti, Ali Ibn Muhammad (۱۹۹۷). *Oion al-hekam wa al-Mavaez*. Qom: Dar al-Hadith.
- Majlesi, Mohammad Baqer (۱۹۸۲). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
- Majlisi, Muhammad Baqir (۲۰۰۲). *Zad al-Ma'ad*. Beirut: al-Alami Publishing House.
- Makarem Shirazi, Nasser (With the collaboration of a group of scientists) (۱۹۹۲). *Tafsir Nemoneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Modarresi, Mohammad Taqi (۱۹۹۸). *Men Hoda al-Qur'an*. Tehran: Dar Mohibi al-Hussein.
- Mofid, Muhammad bin Muhammad (Sheikh Mofid) (۱۹۹۲). *al-Amali*. Qom: Congress of Sheikh Mofid.
- Mojtbavi, Seyyed Jalaluddin (۲۰۰۷). *Islamic Ethics (Translation of the Jamee al-Saadat)*. Tehran: Hikmat.
- Naraghi, Muhammad Mahdi (۲۰۰۶). *Jamee al-Saadat*. Beirut: al-Alami Press Institute.
- Nouri, Hossein (۱۹۸۷). *Mustadrak al-Wasail and Mustanbat al-Masal*. Qom: Al al-Bayt Foundation.
- Qaraati, Mohsen (۲۰۰۹). *Tafsir Noor*. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (۱۹۹۳). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow.
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein (۱۹۷۵). *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: al-Alami Press Institute.
- Tayyeb, Abdul Hossein (۱۹۹۰). *Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Islam.